

پیشینه‌ی فوتبال در نهاوند

از: وحید وحیدنیا

دبیر ریاضی شهرستان نهاوند

اشاره:

آنچه می‌خوانید گزارشی از نحوه‌ی شکل‌گیری و تداوم ورزش فوتبال از حدود سال ۱۳۱۰ شمسی در نهاوند است که توسط آقای وحید وحیدنیا دبیر محترم ریاضی شهرستان نهاوند تهیه و ارسال شده است. از آنجایی که نویسنده‌ی مقاله خود از بازی‌کنان پیش‌کسوت فوتبال نهاوند هستند اظهارات و خاطرات ایشان در این خصوص در چند دهه‌ی اخیر خواندنی است. ضمن تشکر از نویسنده‌ی محترم در انتظار ناگفته‌های دیگر این ورزش در نهاوند هستیم.

«فرهنگان»

پیشگفتار:

بررسی و کنکاش در مورد پیشینه‌ی فوتبال نهاوند و ارائه‌ی گزارشی مستند و مشروح مشکل است و خالی از نقص و ابهام نخواهد بود. دلایل عمده‌ی آن نبود مدارک کتبی ،

فوت اکثریت پیش‌کسوتان، عدم دسترسی به معدود بازماندگان نسل اول و هم‌چنین وجود تناقض بین خاطرات شنیده شده از معمرین است و نگارنده بدین امر کاملاً وقوف دارد. امیدوارم دوستان و عزیزان صاحب نظر با ارائه‌ی اطلاعات و مدارک خویش دریچه‌ای را که گشوده‌ایم بازتر نمایند و خطاهای احتمالی را برطرف کنند.

در این نوشتار سعی گردیده از دهه‌ی آغازین قرن چهاردهم چگونگی ظهور و پیشرفت فوتبال را در شهر نهاوند به اطلاع خوانندگان گرامی برسانیم. بسیاری از نامبردگان در این نوشتار اکنون رخ در نقاب خاک کشیده‌اند. بنابراین ضمن این‌که برای همگی آنان از خداوند «غفار رحیم» طلب آمرزش می‌نمایم، از ذکر کلمه‌ی «مرحوم» در جای جای مقاله به جهت کثرت و تکرار آن‌ها خودداری شده است.

ضمناً در تهیه‌ی این گزارش ممکن است اسامی بسیاری از عزیزان از قلم افتاده باشد که ناشی از محدود بودن اطلاع نویسنده است و همین‌جا از همه‌ی آنانی که حق مطلب در موردشان ادا نشده است پوزش می‌طلبیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هم‌زمان با جنبش مشروطه (۱۲۸۴ ش - ۱۹۰۵ م) سرزمین ایران وارد مرحله‌ای جدید از زندگی اجتماعی خود گردید. مردم شهرهای مختلف ایران از جمله نهاوند به تبعیت از تهران و سایر شهرهای بزرگ، گروه‌هایی گرد آورد و در مراتع حاشیه‌ی شهر به تمرینات نظامی و صف جمع پرداختند. به گفته‌ی معمرین، این تجمعات پس از استقرار مشروطه و سپس روی کار آمدن رضاخان همچنان ادامه داشت و بازاریان و تجار و بعضاً روحانیون عصرها در نقاطی مانند (مَرِن مولوی) و (مَرِن پشت قلعه‌ی حسنخانی) و «محوطه‌ی جلوی تخته پل یزدگردی» گردمی‌آمدند و ضمن حل و فصل امور شهری و اجتماعی، جوانان را به ورزش تشویق می‌نمودند.

در این سال‌ها ردپای ورزش‌های غربی را که همراه با سایر مظاهر تمدن جدید وارد کشور شده است می‌بینیم. به طوری که علاوه بر ورزش‌های سنتی و ملی، دویدن و نرمش کردن و پرش و حرکاتی از ژیمناستیک به چشم می‌خورد. در این دوران از یک نوع بازی با توپ به نام «چوب زیر توپ» نام برده می‌شود که ظاهراً به تقلید از بازی «بیس بال» آمریکایی بوده است. این توپ از جنس پارچه ساخته می‌شد و رویه‌اش با تاباندن نخ، به شکلی کاملاً مدور و کروی در می‌آمد و با آن بازی کردند.

از بازیکنان مشهور این بازی که هنوز پیران و معمرین دوخواهران و میدان پای قلعه خاطره‌ی بازی سریع و چالاک او را در ذهن‌ها دارند شخصی به نام تقی کربلایی غفور بود که به علت فرزی و چابکی‌اش به «تقی واشه»^(۱) شهرت یافته بود و نگارنده حدود سال‌های ۴۴-۴۵ در تهران او را در سنین کهولت دیدم. او همچنان که می‌گفتند باریک اندام و سرزنده و چالاک بود. شاید او را بتوان در نهاوند، نخستین دروازه‌بان و قهرمان بازی‌های وارداتی از غرب نامید.

بنابراین برخلاف آنچه که در افواه شایع است بازی‌های مدرن همزمان با جنگ دوم جهانی (۲۲-۱۳۱۸) وارد نهاوند نگردیده است و به‌طور مسلم سال‌ها قبل از این، فوتبال و والیبال در نهاوند شناخته شده و پای گرفته است.

دانش‌آموزان نهاوند در سال‌های قبل از ۱۳۱۰ پس از اتمام دوره‌ی ابتدایی مجبور به ترک تحصیل می‌شدند. تنها عده‌ی بسیار معدودی که توانایی مالی و تمکن داشتند برای ادامه‌ی تحصیل به شهرهای بزرگ و از جمله تهران روانه می‌گشتند. بنابراین در آغاز، این معدود دانش‌آموزان بودند که با ورزش فوتبال آشنا می‌شدند، آن‌گاه همراه خود توپ‌های مرسوم آن زمان را به عنوان وسیله‌ای نوین به زادگاه خویش می‌آوردند. از این افراد نام علی محمدخان ظفیری برجسته‌تر است.

اولین دبیرستان نهاوند حدود سال ۱۳۱۰ شمسی در محل مسکونی حاج اکبر صالحی واقع در کوچه‌ی ملارضا «بازار سرداب» تأسیس می‌گردد. ساختمان بیرونی به مدرسه‌ی دخترانه و اندرونی به دبیرستان پسرانه اختصاص می‌یابد. اکثریت دانش‌آموزان بچه‌های خوانین، مالکین جزء و تجار و رؤسای ادارات هستند که با علی محمدخان ظفری دوست و یا فامیل اند و با نام برده که مدتی را در دبیرستان البرز تهران سپری نموده است اولین هسته‌ی فوتبال را در دبیرستان تشکیل می‌دهند و از محوطه‌ی بیرونی مدرسه به عنوان زمین والیبال استفاده می‌کنند و برای تمرین فوتبال باغچه‌ی مرحوم آقا میرزا آقا، نزدیک مقبره، را در نظر می‌گیرند و در آن محل شروع به تمرین می‌نمایند.

در این باره حاج سید شجاع‌الدین فتحیان از خاطرات آن سال‌های خود چنین می‌گوید: «ما با کفش‌های گیوه‌ی محلی در تمرینات حاضر می‌شدیم و بدون گرم کردن بدن به دنبال توپ می‌دویدیم و غروب در حالی که چند جای بدنمان زخمی شده بود به خانه برمی‌گشتیم.» افرادی را که ایشان به خاطر می‌آورد و باید به عنوان نسل اول از آن‌ها نام برد به شرح زیراند:

ماشاءاله و مجید رهبری، علی احسان خان ظفری، جوادخان ظفری، امیرحسین ظفری، عباس مؤمنی، شمس‌الدین سلیمانی «معروف به سیاه که دروازه‌بان بود»، محمدعلی ذکایی، رضا لقایی، صادق نادری، شمس‌الدین امینی، شازده عبدالله زمانیان، محرم آورزمانی، شجاع سلیمانی، ابوالفتح سجادی. باید به این جمع، رؤسای بعضی ادارات مانند دهلوی «اداره‌ی پنبه»، مینایی «رئیس فرهنگ»، مظفری «دارایی» و شهید علی قدوسی را اضافه نمود. آقای قدوسی تا قبل از عزیمت به قم جهت ادامه‌ی تحصیل، در تمرینات فوتبال همراه دیگران حاضر می‌شد. درباره‌ی نحوه‌ی تمرینات و تکنیک و... جداگانه، پس از این، توضیح داده خواهد شد.

آن چه که درباره‌ی این بازیکنان قابل ذکر است:

الف) خشونت بیش از حد محرم آورزمانی است. به طوری که قبل از تمرین، بازی‌کنان او را

سوگند می‌دادند که مواظب دست و پای آنان باشد.



عکسی از هسته‌های آغازین فوتبال قدیم نهاوند

ب) تنومندی و هیبت شمس‌الدین سلیمانی، دروازه‌بان تیم، که ابهت خاصی به نام برده می‌داد.

ج) بازی‌های نسبتاً فنی و زیبای رضا لقایی و ابوالفتح سجادی و فتاحیان.

در این جا ما با توجه به محدودیت اطلاعات، سخن درباره‌ی فوتبال اولیه را پایان می‌دهیم و روند شکل‌گیری فوتبال را توسط پیش‌کسوتان این ورزش نوین پی می‌گیریم. گفتنی است در این شهر به علت نبودن سیکل دوم در دبیرستان، بچه‌ها پس از اتمام سیکل اول، یا ترک تحصیل می‌نمودند و یا به شهرهای بزرگ می‌رفتند. اما فوتبال مخصوصاً در ایام تابستان هم‌چنان به حیات خود ادامه می‌داد تا دوران جنگ جهانی فرامی‌رسید.

۲

جنگ جهانی دوم و وضع آشفته‌ی ناشی از آن در کشور در همه‌ی شئون اجتماعی مردم از جمله فوتبال اثر می‌گذارد. در این دوران (۱۳۳۰ - ۱۳۲۰) دبیرستان فیروزان افتتاح می‌گردد و به سبب گسترش کلاس‌ها، ادامه‌ی تحصیل از حالت بسته بیرون می‌آید و فرزندان قشرهای متوسط و پایین جامعه نیز روانه‌ی دبیرستان می‌گردند. در نتیجه تعداد بیش‌تری از جوانان آن دوره، که عمدتاً از تفریحات سالم نیز محروم بودند، جذب فوتبال می‌شوند و چون بازی‌کنان نسل اول هنوز وجود دارند به دو دسته‌ی دانش‌آموزان و کُلتی «کارمندان و غیره» تقسیم می‌گردند و طبق قرار، صبح‌ها افراد کُلتی و عصرها محصلین در زمینی که معروف به «چال کولی‌ها» بود تمرین می‌کنند.

علی محمدخان ظفری این زمین را از عمه‌اش [زن عمویش] حاجیه "خانم خانم‌ها" به منظور اهدا به آموزش و پرورش وقت در اختیار می‌گیرد. در این زمین گاهی اوقات نیز مسابقاتی بین دو تیم و یا با شهرهای هم‌جوار برگزار می‌گردد. انگلیسی‌هایی که در تردّد بین جنوب و غرب کشورند، نیز به دلیل در مسیر جاده بودن زمین، گاهی با بازی‌کنانی که در حال تمرین‌اند مسابقه می‌دهند. البته به طور رسمی تیمی از کارکنان یک شرکت انگلیسی که محل کارشان ملایر است با نهایند مسابقه می‌دهند و نتیجه‌ی بازی (۰ - ۲) به نفع نهایند تمام می‌شود.

از بازی‌کنانی که در این دوران در اذهان باقی‌مانده است و همراه بازی‌کنان نسل اول، فوتبال را ادامه می‌دهند [بدون ترتیب تاریخی] می‌توان سرهنگ هاشم ذکایی، آقامحمود ذکایی و مهندس کریم ذکایی، حسن وره‌رام، کمال شیخ‌الاسلامی، آقا کمال فاطمی، هوشنگ دلیری، حسن غفاری، یدالله محسنی، امراله‌زمانیان، شکراله‌شهابی، پرویز ظفری، شاپور مختاری، صمد سلوکی، قاسم حسینی، علی رضی، احمد امینی، بهروز واقفی، علی ستار صفی‌پور و اسداله مروتی را نام برد.

نکات قابل ذکر در این دهه همچنان نبودن سیکل دوم دبیرستان در نهاوند و مهاجرت و ترک تحصیل فوتبالیست‌ها و نبودن برنامه‌ی منظمی جهت تداوم فوتبال است. به هر حال این ورزش به شکل ابتدایی هم‌چنان به حیات خود ادامه می‌دهد، ولی در آن پیشرفت چشم‌گیری مشاهده نمی‌شود. حتی ورود اولین دبیر ورزش به نام آقای ذوالقرنین و سپس فرد دیگری به نام احمدزاده که فوتبالیست خوبی هم بوده است و کار مربیگری را انجام می‌داده تأثیر محسوسی نداشته است. در این سال‌ها عابدین خان خسروی براساس علاقه‌ی شخصی بچه‌ها را جمع و جور و سرپرستی می‌نموده است. اتفاق محسوس اواخر دهه‌ی ۲۰ تشکیل واحدی در آموزش و پرورش به نام ورزش است که آقای خسروی به نام اولین مسئول رسماً سرپرستی ورزش را به عهده می‌گیرد.

همان‌گونه که می‌دانیم تقسیمات جغرافیایی کشور در آن دوران محدود به ده استان بوده است و استان‌های همدان، ایلام، کردستان و کرمانشاهان مجموعاً یک استان را به نام استان پنجم تشکیل می‌دادند. از حدود سال ۱۳۲۵ به بعد مسابقات قهرمانی آموزشگاه‌های استان برگزار گردید و نهاوند هم که در آن زمان دارای تشکیلات ورزشی نسبتاً منسجمی تحت سرپرستی عابدین خسروی است در این مسابقات شرکت می‌نماید. از بهترین نتایجی که در این دوران به دست می‌آید یک عنوان نایب قهرمانی استان پنجم است که در سال تحصیلی ۳۲-۱۳۳۱ نصیب نهاوند می‌گردد.

بازیکنان این تیم را افراد ذیل تشکیل می‌دهند: امیر حکیمیان (دروازه‌بان)،

محمدعلی قدوسی، شکراله شهبابی، هوشنگ مولوی، قاسم حسینی، بهرام یآوری، منوچهر قاسمی، فرهنگ لطیفی، رضاملکی و بهروز واقفی.

این روند بدین سان ادامه دارد تا در اواخر دهه‌ی سی که تقسیمات جدید کشوری، استان پنجم را تجزیه به چند استان و فرمانداری کل تقسیم می‌نماید و همدان به عنوان فرمانداری کل همدان شامل شهرهای همدان، نهاوند، ملایر، تویسرکان می‌گردد. دبیرستان‌های نهاوند شامل فیروزان و ابن سینا دارای کلاس‌های سیکل دوم و رشته‌های تجربی، ادبی و ریاضی می‌شوند.

با توسعه‌ی دبیرستان‌ها فوتبال گسترش بیش‌تری می‌یابد و علاوه بر مسابقات آموزشگاهی هرازگاهی از تیم‌های ملایر، بروجرد، درود، خرم‌آباد، کرمانشاه، همدان و سایر شهرهایی که فاصله‌ی زمانی آن‌ها حداکثر سه ساعت است دعوت به عمل می‌آید و بین آن‌ها مسابقات دوستانه برگزار می‌گردد. در اواخر این دهه برای نخستین بار سه تن از فوتبالیست‌ها در کلاس‌های داوری و مربیگری شرکت می‌نمایند و سپس تجربیات خود را به بازیکنان جوانی که اینک نسل چهارم و پنجم را شامل می‌شوند منتقل می‌کنند. این سه نفر قاسم حسینی، بهروز واقفی و شکراله شهبابی هستند.

آقای شهبابی حدود بیست سال در سمت‌های مختلف یار و یاور فوتبالیست‌هاست و به تنهایی قسمت اعظم بار را بر دوش می‌کشد. از بازیکنان مشهور اواخر دهه‌ی سی و اوایل دهه‌ی ۴۰ می‌توان، نورالدین نصرتی، ستار توکلی، رسول شهبازی، حسن صارمی، رضادلیجانی، حسن توکلی (دروازه‌بان)، علیرضا گودرزی (دروازه‌بان)، سیدوهاب سیف، دسته‌گلی‌ها، برادران اژدر، خدایار قیاسی، برادران محسنی (غلام، محمد و رضا)، بهمن صنی‌نیا، جمشید عصار، هوشنگ فرمانفرمایی، علیرضا رهبری، مهدی علی‌عربی، احمد جلالوند، مهدی رستمی شمس، قربانعلی مومبوند و منوچهر حاجیان را نام برد.

از بین این افراد بازی‌های زیبا و محکم محمد محسنی که اصلاً بزرگ‌شده‌ی اهواز و هم‌بازی بزرگانی چون مهرباب شاهرخی، افتخاری و حمید جاسمیان بود قابل توجه است و

قدرت مثال‌زدنی خدایارقیاسی را نیز باید متذکر گردید. این دو تن چندین سال به عنوان عضو منتخب تیم استان در مسابقات قهرمانی کشور با پیراهن استان شرکت می‌نمودند.

۳

در سال‌های آغازین دهه‌ی چهل (۱۳۴۰) تغییراتی در سازمان ورزش داده می‌شود. بدین ترتیب که مسئول ورزش آموزش و پرورش تحت عنوان مدیر فنی تربیت‌بدنی زیر نظر فرمانداری‌ها قرار می‌گیرد. دبیرستان‌های نهاوند به سه واحد افزایش می‌یابد. چند تن غیربومی مسئولیت ورزش را متوالیاً به عهده می‌گیرند. مستوفی (تبریزی)، سپس مؤمنی و محمود صارمی (ملایری) و یکی دو سال هم آقای شکراله شهابی.



عکس از فوتبال دهه‌ی ۱۳۵۰ نهاوند

سال ۴۶ را باید نقطه‌ی عطف نه تنها فوتبال بلکه ورزش نهاوند دانست. در این سال یک تحصیل‌کرده‌ی رشته‌ی تربیت‌بدنی از دانشسرای عالی که به تمام معنا همه فن حریف در اکثر رشته‌های ورزشی است، مدیر فنی تربیت‌بدنی می‌گردد. این شخص که به حق تحولی شگرف در ورزش نهاوند به وجود می‌آورد محمدرضا امامی داور و مربی اسبق فدراسیون فوتبال است.

امامی برای نخستین بار مسابقات فوتبال و سایر رشته‌ها را به طور رسمی بین دبیرستان‌های نهاوند برگزار می‌نماید. تیم کورش کبیر (فیروزان سابق) به مربیگری شکراله‌شهابی و بازی‌کنانی نوپا به مقام قهرمانی دست می‌یابند. بازی‌کنان عبارت‌اند از: وحیدنیا (گلر)، علی‌آتریس، پرویز افصحی، سعید توکلی، فریدون و فروهر عسکری، نعمت متین، هبت شهبازی، نورالدین تدریسی، حسن خسروی و شجاع سیدان.

امامی با نفوذی که در همدان دارد میزبانی مسابقات آموزشگاه‌های استان را به عهده می‌گیرد و سپس فعالانه تنها زمین فوتبال را که غیر استاندارد و دارای شیب خیلی زیاد بود تسطیح می‌نماید. آن‌گاه به کمک شهابی بچه‌هایی را که اغلب اولین تجربه را در فوتبال کسب کنند، آموزش و تمرین می‌دهد و آنان را که فرصت کمی جهت آمادگی دارند و فاقد هرگونه مسابقات قهرمانی‌اند در قالب تیمی منسجم روانه‌ی میدان می‌کند.

تیم پس از پیروزی بر ملایر و تویسرکان، به دیدار همدان می‌رود و بازی فینال را با یک گل به همدان واگذار می‌کند. در این تیم قاسم دولتی (دروازه‌بان)، بهروز مومیوند، حجت مهربانی، پرویز افصحی، غلامحسین جلالوند، علی‌آتریس، تدریسی، فریدون و فروهر عسکری، رضا جلالوند، سعید توکلی، مجید مرتضوی و... عضویت دارند.

شور و حالی که این مسابقات در شهر به وجود می‌آورد وصف‌ناشدنی است و همین امر موجب می‌شود تا روزی نگارنده و حجت مهربانی که شوق بچه‌ها را در محلات مختلف می‌دیدیم به آقای امامی پیشنهاد مسابقات محلات را بدهیم و ایشان هم می‌پذیرند. البته با نصب یک آگهی و با شرط این‌که در هر تیم بیش از سه بازیکن از تیم منتخب وجود

نداشته باشد. بدین ترتیب برای اولین بار مسابقات رسمی جام محلات نهاوند با شرکت شش تیم به نام‌های ایران نوین به سرپرستی (هوشنگ مؤید)، پاس (مروان احتشامی)، جم (وحیدنیا)، مروارید (محمدابوالفتحی)، پرسپولیس و وحید برگزار می‌گردد.

این رقابت‌ها موجب می‌شود که عصرها خیل عظیمی از نوجوانان، جوانان و حتی پیرمردان علاقه‌مند و تعداد زیادی از بانوان برای دیدن مسابقات در استادیوم شرکت کنند. همین امر موجب شد تا علاقه‌مندان بسیاری از کسبه و کارمند به حمایت مادی و معنوی تیم‌ها پردازند و آن‌ها را تا سال‌های زیادی سرپا نگاهدارند.

این‌جا لازم است به یکی از حامیان واقعی فوتبال که حتی از درآمد کارگری و مغازه‌ی خویش در راه‌اندازی تیم‌ها دریغ نمی‌کند و حدود بیست سال حتی در دوران خاموشی و افول و عدم توجه مسئولین رسمی به این ورزش، همچنان با عشق و دلسوزی بچه‌ها را گرد خویش جمع می‌نماید، اشاره کنم و به پاس قدردانی از خیل این گمنامان از وی نام ببرم. ایشان شاطر محمد ابوالفتحی است. نمونه‌ای از شیفتگی و عشق وی به فوتبال این است که یک شب دزد مغازه‌اش را می‌زند. اتفاقاً فردای همان شب، تیمش عازم کرمانشاه است. او همه‌ی کارها را رها می‌کند و در معیت تیم به کرمانشاه می‌رود!

امامی بیش از چهار سال در نهاوند نمی‌ماند. اما آثار وی از جمله شاگردانی که پرورش داده‌است سال‌های بسیاری چراغ فوتبال را روشن نگه می‌دارند. در سال‌های ۴۹-۵۲ تماشاگران فوتبال شاهد انبوه مسابقات محلات دوستانه با سایر شهرهای هم‌جوار می‌شوند. در این سال‌ها علاوه بر بازی‌کنان بومی تعدادی از سپاهیان دانش و ترویج نیز به جمع بازی‌کنان می‌پیوندند که از شاخص‌ترین آنان باید از نعمت حسینی بازیکن فنی شهرری، ستوان نیونابد، مه‌رتاش و ... نام برد. ضمن این‌که فرد علاقه‌مندی به نام هوشنگ دولتیار که آشنایی با تمرینات مدرن دارد و کارمند ثبت احوال است، مربیگری را به عهده می‌گیرد و با تأسیس دو تیم باشگاهی به نام پاس و ایران، آن‌ها را رسماً به مسابقات قهرمانی کشور اعزام می‌کند.

سال ۵۰ سازمان تربیت بدنی از آموزش و پرورش جدا می شود و هیئت فوتبال به ریاست شکراله شهابی تأسیس می گردد. شرکت ایران در مسابقات مقدماتی جام جهانی، پی ریزی مسابقات جوانان و نوجوان کشور، انجام مسابقات روستایی، افزایش سهمیه ی توپ هیئت های فوتبال و تبلیغات رژیم سابق در مورد فوتبال همه و همه موجب جذب بازیکن و تماشاگر در استادیوم ها می شود و تمام این مسائل در فوتبال نهانند نیز اثر خود را می بخشد.

۴

حادثه ی مهم در اولین سال دهه ی ۱۳۵۰، قهرمانی تیم فوتبال آموزشگاه های نهانند در استان است که پس از حدود ۲۵ سال شرکت در این مسابقات برای نخستین بار در زمین همدان و با شکست دادن شهرستان های تابعه به دیدار همدان می رود و حریف را در خانه خویش با تک گل محمد حسین جلالوند مغلوب می نماید.

این تیم را بازیکنانی چون وحیدنیا (دروازه بان)، حجت شهبازی، حسن خسروی، عزت سیف، نورالدین تدریسی، برادران عسکری، کامران دولتی، رضاناظم، محمد حسین جلالوند، سیاوش شایسته، پرویز افصحی و مجید مرتضوی تشکیل می دهند و مربی آن شکراله شهابی و سرپرست تیم بهروز مومیوند است. تیم به تبریز اعزام می شود، اما به علت اختلاف با بازیکنان کمکی همدان، به مقامی بیش از چهارم منطقه دست نمی یابد.

در این دوران مسابقات فوتبال جوانان و نوجوانان رونق به سزایی می یابد و تیمی از بچه های کمربندی به نام پرسپولیس تشکیل می شود و به بازیکنان باتکنیک و پرقدرتی مجهز می گردد. این افراد ابتدا قابلیت خود را در مسابقات محلی به تماشاگران نشان می دهند، سپس پایه ی قدرت چندساله ی نهانند را در رده های سنی پی ریزی می کنند.

نوحاسته هایی هم چون برادران سلیمانیان (فرهنگ، فریرز، فرهاد و شهید فرزاد)،

رضا قیاسی، رضا پاریز، برادران احمدوند (مجید و ...) و عبدالرضا اصغری به فوتبال معرفی می‌شوند. آن‌ها به همراه برادران شکوهی (بهرام، دیانوش) پنج دوره نایب قهرمان جوانان استان می‌شوند و در سال ۵۴ قهرمان استان می‌گردند. در تیم قهرمان استان بازی‌کنانی چون فتح‌اله نصرتی (گلر)، رضا قیاسی، رضا پاریز، فرزاد سلیمانیان، فرهنگ سلیمانیان، دیانوش شکوهی، مجید احمدوند، احمد لرستانی شرکت می‌کنند.

در سال ۵۵ برای بار دوم تیم آموزشگاه‌ها قهرمان می‌شود و به مسابقات قهرمانی کشور در دهکده‌ی المپیک اعزام می‌گردد. سال ۵۶ نوجوانان نهاوند پس از شکست دادن کلبه‌ی تیم‌های استان قهرمان می‌شود و سپس نهاوند میزبانی نوجوانان منطقه‌ی غرب را که شامل استان‌های لرستان، آذربایجان غربی، کردستان و همدان است به عهده می‌گیرد و نوجوانان نهاوند قهرمان منطقه می‌شوند. آن‌گاه در اصفهان بین هشت تیم برتر کشور به مقام سوم نائل می‌گردد. این تیم در واقع پرافتخارترین تیم فوتبال دوران قبل از انقلاب است. مربیگری این تیم‌ها را در این سال‌ها قاسم دولتی، دروازه‌بان سابق که از سال ۵۳ به عنوان دبیر ورزش استخدام گردیده بود، به عهده می‌گیرد.

بازی‌کنانی همچون رضا قیاسی، رضا پاریز و شهید فرزاد یار همیشگی تیم استان در مسابقات قهرمانی کشور می‌شوند. از بین آن‌ها رضا قیاسی در سال ۵۴ به همراه محمدبه‌گندم، دیگر بازیکن همدانی، از طرف مربی وقت تیم جوانان ایران به اردوی تیم ملی دعوت و در تمرینات شرکت می‌نماید. ولی پس از بیست روز تمرین به علت داشتن امتحان و نیز مشکلات خانوادگی از ادامه‌ی تمرین عذر می‌خواهد و مراجعت می‌نماید و بدین ترتیب تنها شانس از نهاوند برای تصاحب پیراهن تیم ملی از دست می‌رود.

در این سال‌ها شکوفایی فوتبال به حدی است که شهرهای همجوار اغلب از تیم‌های نهاوند یار کمکی می‌گیرند. تاج ملایر در مسابقات جام غرب کشور در سه فصل از کامران دولتی و رضا قیاسی و یک فصل از نگارنده استفاده می‌نماید. آن دو تن (دولتی و قیاسی) از بازی‌کنان کلیدی تیم محسوب می‌شوند.

در این برهه‌ی زمانی تحولی نیز در شکل‌گیری فوتبال در روستاها به وقوع می‌پیوندد. به دنبال سیاست دولت وقت، سازمان‌هایی به نام خانه‌ی فرهنگ روستا در بعضی روستاها شکل می‌گیرد و کاپی به نام جام گندم طلایی بین روستاییان شهرهای استان‌ها برگزار می‌شود. مسئولین چون غافل‌گیر می‌شوند چاره را در آن می‌بینند که افرادی را از شهرستان به کمک بگیرند.

در سال اول مسابقات بچه‌های روستایی جهان‌آباد، کوهانی، گل‌زرد که اغلب در شهر تحصیل می‌کنند، همراه با دو تن از بازی‌کنان شهری تیم نهاوند را تشکیل می‌دهند و در مسابقات استان به مقام اول دست می‌یابند. سپس همراه تیم منتخب استان در کرمانشاه شرکت می‌کنند و بین هشت تیم منطقه‌ی غرب سوم می‌شوند.

همین امر موجب می‌شود که جوانان اغلب روستاها به فوتبال روی آورند و شروع به تمرین نمایند. سال بعد برای انتخاب تیم، مسابقات روستا برگزار می‌شود. گرچه باز هم چندتن را از شهر به عنوان کمک اعزام می‌نمایند، اما پایه‌ی مسابقات فوتبال و گسترش آن در اکثر روستای شهرستان پی‌ریزی می‌شود و می‌پذیرند که هر ساله مسابقات جام روستاها در استادیوم شهر برگزار گردد و بعدها قهرمان هر دوره در مسابقات مجلات نهاوند شرکت نماید. این تیم‌ها بازی‌کنان خوبی نیز تحویل جامعه ورزش می‌دهند، از جمله لطیف، قاسم، علی زمانیان و

در این فصل به نکات حاشیه‌ای فوتبال نهاوند از جمله لوازم ورزشی، زمین، مربیان، سیر تحول و تاکتیک می‌پردازیم.

الف - لوازم ورزشی: از زمان شروع فوتبال در نهاوند، تا سالیان متمادی کفش بازی‌کنان نوعی گیوه و دستباف محلی که به (پالاجوراو) معروف است، بود. این نوع کفش

به سبب تخت بودن کف و زیره‌ی آن، لیز و لغزنده بود و موجب زمین خوردن بسیاری می‌گردید. گفته می‌شد تنها علی محمدخان ظفیری و یک تن دیگر صاحب کفشی از نوع کفش فوتبال معمول آن زمان تهران بودند.

بازی‌کنان، بعدها از نیم چکمه و یا پوتین‌های چرمی استفاده می‌کردند. پاشنه‌ی این کفش را نعلی هلال مانند تشکیل می‌داد و تخت آن را با میخچه‌هایی که سری پهن و کروی داشتند می‌پوشاندند و هر چند که نسبت به گیوه بهتر بود، اما تحرک با آن کاری دشوار بود. شهابی حدود سال ۴۵ بنده را که بازیکن نوجوانی بودم مورد لطف قرار داد و یک جفت از این کفش‌ها را که مربوط به محمدعلی قدوسی بود، در اختیارم گذاشت. قیافه و راه رفتن بنده که دارای پاهایی لاغر بودم با این کفش خیلی دیدنی بود. به طوری که پس از ده دقیقه به علت سنگینی آن مجبور شدم از خیرش بگذرم. لباس بازی‌کنان معمولاً شورت‌های محلی و بعضاً با زیر شلواری بود و اغلب از پیراهن و زیرپوش شخصی استفاده می‌کردند. توپ مورد استفاده‌ی این ورزش جدید هم تا مدت‌ها از نوع خاصی بود. این توپ‌ها از رویه‌ی چرم و تیوپ «وسی» که شلنگ کوتاهی حدود پنج سانتی‌متر داشت ساخته می‌شد. تیوپ آن را با دهان و یا تلمبه باد می‌کردند. آن‌گاه تسمه‌ای چرمین را همانند بند کفش از سوراخ‌های رویه می‌گذراندند. آن‌گاه توپ آماده شد. توپ را قبلاً با روغن حیوانی چرب می‌نمودند که آب به خود نگیرد. اگر بازیکنی سر و یا بدنش مورد اصابت گره توپ قرار می‌گرفت دچار آسیب دیدگی می‌شد.

هنگامی که آب در چرم نفوذ می‌کرد و یا در زمستان و بهار در چاله‌ای می‌افتاد هم وزن توپ زیاد می‌شد و هم ضربه‌زدن به این توپ واقعاً خطرناک بود. چندین بار بازی‌کنانی که گره توپ به سر آن‌ها اصابت کرده بود دچار شوک و بیهوشی شده بودند. این نوع توپ تا سال‌های اول دهه‌ی ۴۰ همچنان مورد استفاده بود و در این سال‌ها فقط در مسابقات

رسمی، توپ‌های جدید به کار گرفته می‌شد. (۱)

(ب) زمین‌های فوتبال: اولین زمین تمرین در نزدیکی مقبره‌ی آقا قرار داشت. سپس قطعه زمینی را حاجیه خانم خانم‌ها عمه‌ی [زن عموی] علی محمدخان ظفری در دهه‌ی ۱۳۳۰ به اداره‌ی آموزش و پرورش (فرهنگ) وقت اهدا نمود. این زمین که حدود ۵۰ سال به عنوان تنها زمین فوتبال نهانند مورد استفاده بوده است، دارای شیب تندی است. دروازه‌هایش را در اوایل شرقی-غربی و سپس شمالی-جنوبی کار گذاشته‌اند. در اوایل، زمین هیچ‌گونه دیواری نداشت. تا این‌که اداره‌ی فرهنگ به کمک شهرداری و از عوارض ۵٪ آن را دیوارکشی نمود و سپس در ضلع جنوبی آن چهار ردیف سکو و رختکن و سرایداری احداث نمودند.

یکی از نگرانی‌های بازی‌کنان در تمرینات، بیرون رفتن توپ از چهار دیواری بود. در سمت جنوب احتمال ترکیدن توپ توسط ماشین‌ها، به سرعت رفتن آن توسط عابرین و شکستن شیشه پمپ بنزین و سایر مغازه‌ها بود. ولی نگرانی بیش‌تر متوجه سمت غربی زمین می‌شد که مربوط به اداره‌ی چغندر قند بود که وسعتی زیاد داشت و معمولاً در پاییز و زمستان مملو از دپوهای چغندر بود. اغلب، توپ در لابه‌لای چغندرها گم می‌شد و بازی‌گاه به تعطیلی کشیده می‌شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله دانش‌آموزی فرهنگیان

۱ - قابل ذکر است که در دهه‌ی بیست، نوجوانان و جوانان علاقه‌مند به بازی فوتبال از توپ‌های دست‌ساز نخی استفاده می‌کردند. آن‌ها مقداری لاستیک را به اندازه‌ی یک تخم‌مرغ می‌پیچیدند و سپس آن را نخ پیچ می‌کردند و در نهایت روی آن را با نخ‌های رنگین و نقش و نگار می‌یافتند و به اصطلاح "گلنچه" می‌زدند و در کوچه‌ها و به‌خصوص در حواشی مسیل کنارشهر و جوار قلعه حسنخانی و جاده‌ی قصاب‌خانه ساعت‌ها بازی فوتبال می‌کردند، بدون این‌که از مری، داور و یا توپ و زمین نسبتاً همواری برخوردار باشند. این‌ها خیل عظیمی از نوجوانان و جوانانی بودند که شاهد بازی‌های استاندارد فوتبال‌لیست‌های شهر بودند و چون امکان استفاده از زمین فوتبال رسمی شهر را نداشتند به ناچار به این ترتیب عطش خود را فرو می‌نشانند. (فرهنگان)

در ایامی که چغندرها را حمل می‌کردند و محل خالی می‌ماند، سرایدار که از بازی‌کنان دل‌خوشی نداشت، یکی دو سنگ گردن کلفت را در محل رها می‌کرد و توپ پس از یکی دو روز توقیف با خواهش و التماس و قول دادن، عودت داده می‌شد. بعدها که این قسمت تبدیل به مسکونی گردید، شکسته شدن شیشه‌ی خانه‌ها دردسرساز شد. سرانجام در زمان سرهنگ کامران دولتی رئیس هیئت فوتبال، نرده‌هایی با ارتفاع بلند نصب گردید و تقریباً مشکل حل شد.

از دیگر خصوصیات این زمین داشتن خارهایی به نام «خار خسک» بود که دانه‌های سه پهلو داشت و بازی‌کنان را - در صورت به زمین خوردن - مجروح و شدیداً زخمی می‌نمود. ضمن این‌که خیلی از توپ‌ها را نیز پنجر می‌کرد. زمین در زمان امامی جهت میزبانی مسابقات آموزشگاهی استان تسطیح گردید. سپس در زمان هوشنگ مولوی در ضلع شمالی آن سکوهایی برای تماشاگران ساخته شد و چون قسمتی از مالکیت آن مربوط به علی حسین شیرخانی بود، خریداری شد و کلاً در تملک تربیت بدنی قرار گرفت.

نگارنده در اوایل انقلاب، طرحی به سازمان داد و شهید حجت‌الاسلام حیدری نیز پیگیر آن گردید، مبنی بر احداث مغازه در حاشیه‌ی ضلع جنوبی زمین که این طرح با استعفای این جانب مسکوت ماند. اما چند سال بعد به همت سیدکریم مقدسی طرح عملی گردید. این زمین در بعد از انقلاب اسلامی به همت مردانی چون شهید سلیمانیان، حاج محمدرضا داودی، محمدحسین جلالوند بالاخره تخم چمن به خود دید و اینک به نام استادایوم شهید سلیمانیان محل تمرین عاشقان فوتبال است.

در سال‌های دهه‌ی ۱۳۴۰ که عطش فوتبال، نوجوانان و جوانان را فرا گرفته بود، زمین‌های خاکی کوچکی در گوشه و کنار شهر به دست بچه‌ها تسطیح و مورد بهره قرار می‌گرفت. از آن جمله باغچه‌ی معماریان را بچه‌های خیابان ذکایی صاف کردند و در آن تمرین می‌نمودند. قبرستان قدیمی شهر، پیش از احداث بلوار شهید حیدری نیز جزء این زمین‌هاست. هم‌چنین محل شهربانی و زندان فعلی، زمین مدرسه سعدی در حاشیه‌ی

مسیل (لنگاه) ، زمین های چال قصاب خانه (مهدیه کنونی)، زمین زیر چقا پایین تر از غسل خانه ی قدیمی هر کدام یکی دو سه سال مورد استفاده قرار می گرفتند ، ولی با احداث ساختمان های جدید در این زمین ها بچه ها از تمرین و بازی در آن ها محروم می شدند.

یکی از زمین هایی که تا اوایل انقلاب دوام آورد و حداقل دو نسل در آن بازی می کردند زمین حاشیه ی میدان امام (محل پیام نور و مصلاً) بود که افرادی چون حسن توکلی، قیاسوند، نعمت متین، قاسم دولتی، لطف اله احمدوند، نبی سلگی (شوستری) و سپس بچه های کمربندی از آن کاملاً استفاده می کردند و فوتبالیست های خوبی تحویل تیم های منتخب دادند.

اما داستان زمین باغچه ی نبی شیخ که مربوط به تیم مروارید به سرپرستی محمد ابوالفتحی بود جالب تر از بقیه است. قطعات این زمین قبلاً جزء باغات حاشیه ی شهر بود و توسط صاحبان آن ها با قطع درخت هایش برای مسکونی شدن آماده می شد. اما بچه ها که زمینی مسطح به دستشان می آمد نمی خواستند آن را به آسانی از دست بدهند. از این رو همیشه بین آن ها و مالکین اختلاف و درگیری بود. کارگران ، روز که می شد آن جا را برای ساختمان پی می کنند و چون شب می رسید ده ها جوان و حتی پیرمرد با بیل و کلنگ هجوم می آوردند و زمین را مجدداً برای بازی تسطیح و آماده می کردند و این نبرد و کشمکش تا اوایل انقلاب ادامه داشت.

زمین دیگری نیز معروف به زمین بیسکویت در حوالی کوچه ی صفی پور مورد استفاده قرار گرفته بود. هم چنین از دیگر زمین هایی که باید نام برد چمن گل زرد با زمینی حدود سه هکتار است که مرتع دامداران منطقه بود. از سال های دور بازی کنان تیم ها رنج راه «گل زرد» را بر خود هموار می ساختند و چند کیلومتر پیاده می رفتند تا در این زمین تمرین کنند. حتی تیم های رسمی که می خواستند به مسابقات اعزام شوند جهت آشنایی با چمن، تمرینات خود را در این مکان انجام می دادند. البته تمرینات و رفت و آمدها بدون برخورد با اهالی نبود.

این زمین بعد از انقلاب توسط آموزش و پرورش خریداری شد و به همت منصور صالح مسئول تربیت بدنی آموزشگاه‌ها با تجهیز آن از طریق تأسیسات و دیوارکشی به مجموعه‌ی مناسبی تبدیل گردید. اینک نیز با پی‌گیری مهندس قیاسی رئیس آموزش و پرورش و منصور صالح پروژه‌ی تکمیل آن ادامه می‌یابد و پی‌گیری می‌شود.

راجع به مجموعه‌ی ورزشی فرهنگی علمیرادیان و نقش تأثیرگذار آن نیازی به بیان توضیح ندارد. فقط به عنوان ذکر از بانی و مؤسس آن مهندس محمدحسین علمیرادیان که به حق و به دور از تملق و مدیحه‌سرایی «حاتم‌شهر» ماست باید گفته شود که اگر نهاوند از طرق رسمی می‌خواست به چنین مجموعه‌ی گران‌قدری دست بیابد شاید دو قرن طول می‌کشید. خداوند خود اجر و عزت به بانی آن مرحمت نماید.

ج(مسئولین و مربیان و سیرفتی: در فوتبال دوره‌ی اولیه کسی رسماً عنوان مربی نداشت. از آن جایی که علی محمد خان ظفری تحصیل‌کرده‌ی تهران بود و با ورزش بیش‌تر آشنایی داشت، عملاً و نه به صورت رسمی نقش مربی و کاپیتان را ایفا می‌کرد. تا این که رسماً شخصی به نام فرخانی که نظامت دیرستان کوچه ملا رضا را به‌عهده داشت و زردشتی مذهب بود سرپرستی و مربیگری فوتبال را برعهده گرفت.

بعد از جنگ جهانی دوم و اواخر دهه‌ی بیست عابدین خان خسروی، به دلیل علاقه‌ی شخصی، عصرها همراه بازی‌کنان در محل بازی حاضر می‌شد و مواظب بچه‌ها بود. در این دوران دو نفر به‌عنوان دبیر ورزش به نام‌های احمدزاده و ذوالقرنین که هر دو فوتبالیست بودند کار مربیگری را به‌عهده گرفتند و در کنار آن‌ها مینایی نیز همکاری می‌کرد. البته افرادی چون کمال شیخ‌الاسلامی و محمود ذکایی نیز که هر دو ارتشی بودند در هنگام فراغت و مرخصی در خصوص دو و نرمش و بدن‌سازی با بچه‌ها تمرین می‌کردند.

عابدین خان شخصاً فوتبالیست نبود، اما به دلیل مدیریت و کاردانی به عنوان اولین مسئول ورزش در فرهنگ برگزیده شد و تیم را دبیران ورزش و افرادی چون حبیب‌اله

ظفری تمرین می دادند. «قل دادن توپ و سپس ضربه زدن دو ضرب» از ابتکارات ظفری بود. بازی کنان علاقه داشتند که شوت های هوایی «به صورت عمودی» بزنند و در این کار حتی مسابقه هم می دادند.

نگارنده خود شاهد بودم که حسینی و محمدعلی قدوسی در اواخر عمر ورزشی خود گاهی به یاد جوانی می افتادند و با هم مسابقه ی شوت هوایی می دادند. حسینی همیشه منوچهر حاجیان را که می دانست چگونه باید بشمارد به عنوان داور انتخاب می کرد و نام برده هم برای حسینی شمارش را سریع و برای قدوسی با تأنی انجام می داد. در این مورد حتی لطیفه ای بین قدیمی ها وجود داشت که: صادق نادری وقتی توپ را به هوا شوت کرد تا برگشت مجدد توپ به زمین، آن قدر فرصت داشت که یک لیوان چای بنوشد!

بعد از خسروی، شخصی تبریزی به نام مستوفی مسئول ورزش شد و تمرینات براساس همان که از قبل بود، ادامه داشت. شهابی که کلاس داود نصیری را دیده بود تغییراتی در نحوه ی تمرین داد، مثلاً سائتر کردن از کناره های زمین و شوت کردن به دروازه و تمرین و دربیل و

بعد از مستوفی، مؤمنی و سپس محمود صارمی مسئول گردیدند. محمود صارمی از فوتبالیست های ملایر بود که در دانشسرای تربیت بدنی تحصیل نموده و با بسیاری از ملی پوشان آن زمان کار کرده بود. وی در نهاوند زیاد نماند و به ملایر بازگشت و در آن جا سالیان متمادی مربیگری نمود. بعد از وی شهابی مسئولیت گرفت و ایشان هم بعد از چندی مسئولیت را به امامی واگذار کرد. امامی همان گونه که قبلاً گفته شد، خود بازیکنی فوق العاده بود و در تمرینات پا به پای جوانان کار می کرد و ضمن این که همراه با شهابی به آموزش عملی تکنیک و تاکتیک می پرداخت، برای بازیکنان کلاس تئوری و داوری تشکیل می داد و دانش فوتبال روز را به شاگردان می آموخت. به طوری که شاگردان ایشان در سال های بعد اغلب مربیان و داوران فوتبال گردیدند.

با انتقال امامی، هوشنگ مولوی مسئولیت گرفت و چون تربیت بدنی از آموزش

پرورش جدا شد، ایشان رئیس تربیت بدنی و حجت‌اله رشیدی مسئولیت آموزشگاه‌ها را عهده دار شدند. در سال ۵۳ اولین دسته‌ی معلمین ورزش استخدام گردید و قاسم دولتی دروازه‌بان سابق نهاوند به کادر مربیان پیوست. در سال‌های ۵۵ و ۵۶ جواد حاجیان و رضا ناظم از مدرسه‌ی عالی ورزش دانش‌آموخته (فارغ‌التحصیل) شدند و به کادر مربیان پیوستند. به ویژه ناظم که خود قهرمان فوتبال و دو سرعت بود و از دانش فراوانی بهره می‌برد، در نحوه‌ی تمرینات و آماده‌سازی بازیکنان نقش مؤثری ایفا نمود. سال ۵۷ نگارنده (و حیدنیا) نیز از کلاس لیادین روسی و حسین فکری کارت گرفت و به جمع مربیان فعال نهاوند پیوست.

د) گویندگان و گزارشگران: در سال ۴۶ شرکت‌کنندگان در مسابقات ورزشی استان در نهاوند با پدیده‌ای روبه‌رو شدند که نه تنها برای آن‌ها بلکه برای تماشاچیان شگفت‌آور و دیدنی بود. این پدیده گزارش مسابقات اعم از فوتبال، والیبال، کشتی، بسکتبال از طریق میکروفن توسط بزرگ‌مرد ورزش نهاوند رسول شهبازی بود. شهبازی در حین گزارش، تاریخچه‌ی آن ورزش را در جهان، ایران و نهاوند (در صورتی که آن ورزش تیم در این شهرستان داشت) به تماشاگران حاضر ارائه می‌داد. حافظه‌ی قوی، اطلاعات وسیع، لحن گرم و اصطلاحات خاصی که این گزارشگر پرشور به کار می‌برد، همه را شگفت‌زده می‌کرد و موجب گرمی مسابقات می‌شد. این کار را بعدها مجتبی سارنگ، عین‌اله شیری، هاشمی و شهاب شفیع‌یان نیز ادامه دادند. امّا صدای رسول چیز دیگری بود. خدایش رحمت کند.

۶

اینک به اختصار موانع و مشکلات پیشرفت فوتبال نهاوند را بررسی می‌کنیم. گرچه در صفحات قبل تا حدودی از عدم امکانات ورزشی نکاتی ذکر گردید، امّا لازم است در این جا مختصراً عوامل اصلی را توضیح دهیم و به آگاهی خوانندگان گرامی برسانیم.

۱ - محدودیت جغرافیایی شهر

الف: نهایند شهری است که بر روی تپه‌ها احداث گردیده است. لذا در این شهر زمینی که جهت تمرین فوتبال مسطح و قابل استفاده باشد کم‌تر به چشم می‌خورد. در سال‌های اخیر نیز که شهر وسعت پیدا کرده است، شهرداری و مسئولین امر هیچ‌گونه علاقه‌ای نسبت به پیش‌بینی و احداث زمین ورزش از خود نشان نداده‌اند.

ب) نبودن راه آسفالت‌تافته تا سال ۵۸ و در حاشیه قرار گرفتن نهایند، نسبت به دو شاهراه بزرگ ارتباطی کشور، موجب گردید که علاوه بر رکود اقتصادی و فرهنگی، در زمینه ورزش نیز به عقب‌ماندگی دچار شویم.

ج) شرایط خاص جغرافیایی، نهایند را در منطقه‌ی سردسیر قرار داده به طوری که حدود هفت ماه از سال دارای برودت است و تیم‌هایی که می‌خواستند در فرم مطلوب باشند ناخواسته و به سبب نداشتن مکانی برای تمرینات زمستانی مجبور به استراحت طولانی می‌شدند.

۲ - محدودیت‌های اقتصادی:

الف) نداشتن باشگاهی که از پشتوانه‌ی مالی برخوردار باشد تا بتواند لوازم و هزینه‌های یک تیم را فراهم نماید. در این شهر نه کارخانه وجود دارد و نه متأسفانه افرادی که بخواهند تیم‌داری کنند. آنان هم که عاشق کار بودند افرادی از قشر ضعیف بودند که نمی‌توانستند کاری انجام دهند. لذا تیم‌های محلات با پول جیبی خود بچه‌ها مدتی سرپا می‌ماند و سپس منحل می‌شد.^(۱)

ب) جوانانی که پس از چند سال تمرین می‌توانستند آینده‌ی درخشانی در این رشته

۱- با تأسیس و راه‌اندازی دو باشگاه، به نام‌های «ایران سویچ نهایند» و «سپتای نهایند» توسط مهندس محمدحسین علیمرادیان در سال جاری (۱۳۸۰)، امید است ورزش نهایند در زمینه‌های مختلف به شکوفایی لازم دست یابد و نگرانی نویسنده‌ی محترم مقاله برطرف گردد. «فرهنگان»

داشته باشند به دلیل داشتن مشکلات اقتصادی و جست‌وجوی کار پس از اتمام تحصیلات و یا انجام خدمت سربازی مجبور به هجرت می‌شدند. از این رو به جز معدود افرادی که به علت موقعیت شغلی توانستند ده، پانزده سالی در کنار فوتبال باشند، بقیه‌ی بازی‌کنان هیچ‌گاه به اوج فوتبال نرسیدند و کار را در نیمه راه رها کردند.

ج) تا اوایل انقلاب، نهاوند حتی یک اتاق برای اسکان تیم‌هایی که از راه دور می‌آمدند، نداشت. عدم وجود خوابگاه از معضلاتی بود که مسئولین و مربیان را مجبور می‌کرد برای دعوت از تیم‌ها هیچ‌گاه از دایره‌ی بسته‌ای به شعاع ۱۲۰ کیلومتر فراتر نروند. زیرا نمی‌دانستند اگر تیمی را با فاصله‌ی بیش‌تر دعوت نمایند، شب آن‌ها را در کجا اسکان دهند. این نبود امکانات موجب می‌شد که تیم‌های فوتبال محدود و بسته عمل کنند و به کسب تجربه‌ی بیش‌تر موفق نشوند.^(۱)

۳- مشکلات فرهنگی:

الف) دیدگاه منفی بعضی از والدین نسبت به فوتبال و هم‌چنین اجازه ندادن به فرزندان‌شان برای شرکت در مسابقات و تمرینات یکی از مشکلات فرهنگی منطقه است. بنابراین باید سال‌ها تلاش جدی شود تا دیدگاه همشهریان نسبت به ورزش مثبت‌گردد و جایگاه واقعی خود را پیدا کند. در این زمینه خاطراتی موجود است که از بیان آن‌ها به عللی خودداری می‌شود.

وجود هر چند محدود و گاه‌گاه جو ناسالم اخلاقی در حاشیه‌ی فوتبال معضل فرهنگی دیگری بود که موجب نگرانی می‌شد. به طوری که هر بار وجود حتی یکی دو عنصر نامطلوب، تأثیر منفی و ناگواری در عرصه‌ی فوتبال به جا می‌گذاشت و موجب می‌شد که خیلی از نیروهای مستعد از فوتبال فراری شوند.

۱ - امید است دولت با کمک خیرین نهاوندی، امکان ایجاد یک هتل یا مهمانسرای مناسب برای اسکان تیم‌های مدعو را در نهاوند فراهم آورند. (فرهنگان)

ب) گاهی اوقات ، بعضی از بازیکنان حرمت پیش کسوتان را می شکستند و موجب دلسردی و کناره گیری آنان می شدند. گرچه ورزش فوتبال به دلیل داشتن فعالیت جمعی و نیز بینندگان فراوان اصولاً ورزشی پر مسئله و جنجالی است و مسائل حاشیه‌ای فراوان دارد، اما در محیط‌های کوچک‌تر معمولاً تنگ نظری‌ها و احیاناً حسادت‌ها موجب اثرات مخرب تری می‌گردد. نقل قولی از آقای مولوی مسئول تربیت بدنی اسبق شاید روشنگر این مطلب باشد. ایشان بارها می‌گفتند:

«حسرت به دلم ماند که یک‌بار افرادی که به اداره می‌آیند ، بگویند: فلانی چرا حق الزحمه مربیان شما کم است؟ بلکه اغلب می‌گویند: که آقا این پولی که به فلان مربی می‌دهید بابت چی می‌دهید؟ مگر چه کار کرده است؟ در حالی که مربیان فقط ماهی ۱۵۰ الی ۲۰۰ تومان می‌گرفتند.

عوامل دیگری نیز همچون نداشتن کادرهای فنی و مربیان و داوران، بی‌علاقگی مسئولین و متولیان امر و جدی نگرفتن این ورزش موجب گردید که هیچ‌گاه ، به جز در مقاطع کوتاهی، فوتبال نهایند فراخور استعدادهای بالقوه‌اش ترقی نکند.

در این جا بررسی پنجاه سال فوتبال نهایند را هر چند به اختصار به پایان می‌بریم و همان‌گونه که قبلاً متذکر شدم ، این مقاله را فتح بابی می‌دانم برای عزیزانی که مایل اند در این زمینه اطلاعات بیش تری در اختیار خوانندگان این مجله قرار دهند و باز هم اگر در این نوشته اشتباه و یا کمبودی مشاهده می‌شود از همه پوزش می‌خواهم و امیدوارم به جوانمردی و خصایل نیک ورزشکارانه‌ی خویش حقیر را ببخشایند.

در پایان، اگر عمری بود ان شاء الله نسبت به نوشتن رخدادهای پس از انقلاب، با استفاده از اسناد و مدارک موجود اقدام خواهد شد. به امید تندرستی فوتبالیست‌های زنده و طلب آموزش برای عزیزانی که دیگر در بین ما نیستند. (۱)

«ادامه دارد»